

توضیحی درباره‌ی برخی لغات قرآنی

کتاب دین و زندگی (۱)

سیدعسکر رضوی
شهرستان بهشهر

اشاره

آنچه در پی می‌آید، توضیحاتی پیرامون برخی از لغات قرآنی در کتاب دین و زندگی (۱) است. امیدواریم مطالعه‌ی آن، دیران‌گرمی را در تبیین بهتر مباحث قرآنی کتاب یاری رساند.

حضرت در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی ابراهیم (ع) می‌فرماید: «ربنا

اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب...»: «پروردگارا! من و پدر و مادرم و مؤمنین را در روز رستاخیز بیامرز...»

(د) قرآن می‌فرماید: «مسلمانان حق ندارند برای مشرکان استغفار کنند.» مسلماً پدر و مادر حضرت ابراهیم (ع) اشخاص دیگری بودند که برای آن‌ها استغفار کرده است. چون پدر و مادر حضرت با ایمان به خدای واحد از دنیا رخت بر بستند و او به ایمان آنان یقین داشت.

ناگفته نماند که پیامبران برای هدایت مشرکین و بت‌پرستان، به منظور اتمام حجت، استغفار می‌کردند، ولی وقتی ناامید می‌شدند و آنان را در راه بت‌پرستی مصمم می‌دیدند، دست از استغفار می‌کشیدند. در آیه‌ی ۱۱۴ سوره‌ی توبه، حضرت پس از ناامید شدن، هیچ‌گاه برای آزر طلب امرزش نکرد و از او برائت جست.

با توجه به بندهای ج و د، وقتی حضرت از آزر که سرپرست او بود، ناامید شد، از استغفار دست شست. اما برای پدر و مادر واقعی اش (وَلِوَالِدَیْهِ)، حتی پس از مرگشان برای روز رستاخیز طلب مغفرت کرد؛ چون پدر و مادرش مؤمن و موحد از دنیا رفته بودند. بنابراین مطمئناً پدر او آزر نبوده است، چراکه حضرت از آزر بری بود.

(ه) پیامبر می‌فرماید: «همواره خداوند مرا از صلب پدران پاک

۱. در آیه‌ی «و اذ قال ابراهیم لایه آزر...»، آزر کیست؟ بحث خود را با طرح پرسشی آغاز می‌کنیم: آیا آزر، آن مرد بت‌پرست، پدر بلافضل حضرت ابراهیم (ع) بوده است؟ خیر. برای اثبات این امر لازم است درباره‌ی کلمه‌ی آب بررسی دقیق‌تری داشته باشیم:

الف) کلمه‌ی آب در لغت غالباً به پدر اطلاق می‌شود، اما گاهی به جد مادری، عمو، مری، معلم و کسانی که برای تربیت انسان به نوعی زحمت کشیده‌اند نیز گفته می‌شود. با توجه به آیه‌ی ۱۳۳ سوره‌ی بقره، با این که حضرت اسماعیل (ع) عموی حضرت یعقوب بوده است، ولی فرزندان یعقوب (ع) به پدرشان گفتند: «خدای پدران تو، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می‌پرستیم.»

ب) در هیچ‌یک از منابع تاریخی، اسم پدر حضرت ابراهیم (ع) یا لقب پدرش آزر ذکر نشده است، بلکه حتی در منابع یهود نام او را تاریخ^۱ نوشته‌اند که از نوادگان سام پسر نوح (ع) بوده است.

ج) حضرت ابراهیم (ع) پدر واقعی خود را «آب» خطاب نمی‌کند، بلکه تعبیر حضرت از پدر واقعی «والد» است که میان همه‌ی اهل فن، صریحاً مفهوم پدر بلافضل را می‌رساند، نه شخص دیگر.



آسمانی نیز شناگر هستند. خدا می فرماید: «و كل في فلك يسبحون» و کلمه ی کل اشاره به تمام اجرای آسمانی است.

برای نمونه، می توان به شناگری یا حرکت زمین به دور خود و یا حرکت زمین در اثر فرسایش در طول قرن ها در درون خود اشاره کرد. در این زمینه نظریه ی یکی از دانشمندان را نقل می کنیم:

پروفیسور بلاکت از دانشگاه لندن می گوید: «تحقیقاتی که درباره ی سنگ های هندوستان به عمل آمده است نشان می دهد، این سنگ ها ۷۰ میلیون سال پیش در جنوب خط استوا بوده اند و مطالعات درباره ی کوه های جنوب آفریقا ثابت کرده که قاره ی آفریقا ۳۰۰ میلیون سال پیش از قطب جنوب جدا شده است.» [دکتر عبدالصبور، ۱۳۹۳].

به شناگر در زبان عرب سابع می گویند، چون در آب می کوشد و حرکت می کند. همچنین به سرعت اسب، سبیح گفته می شود، چون حرکات اسبان سه نوع است: قدم زدن، پورتمه، چهار نعل یا شناورگونه (با سرعت زیاد پاها به حالت شناوری درمی آیند) که سرعتی حدود ۶۰ کیلومتر در ساعت را دارد (معمولاً قدرت ماشین را با قدرت اسب می سنجند) سَبیحُ الفرس

باید دانست که تسبیح خداوند، متزه بودن خداوند از هر بدی به طور کامل است (سبحان الله). در بعضی از آیات، امر به تسبیح در ذات پروردگار شد و در بعضی دیگر، اسم خداوند تسبیح شده

به رحم مادران پاک منتقل می ساخت و هرگز مرا به آلودگی های دوران جاهلیت آلوده نساخت [مجمع البیان، غرایب القرآن، تفسیر کبیر. روح المعانی].

شک نیست که روشن ترین آلودگی «شُرک» است. خداوند در قرآن می فرماید: «انما المشركون نجس...» [توبه/۲۷].

سیوطی نقل می کند که اجداد پیامبر اکرم (ص) مشرک نبودند. در هر عصر موحدی وجود داشته است. پس قبل از حضرت ابراهیم (ع)، شخص موحدی زندگی می کرد و آن پدرش، تاریخ بوده است. و پیامبر اسلام (ص) از نسل آزر نمی تواند باشد، چون آزر مشرک بوده است، وگرنه نعوذ بالله، سخن رسول خدا مطابق با واقع نیست.

هوشیار باشیم تا خدای نکرده این موارد دستاویز بعضی ها قرار نگیرد. باید وجود مقدس و پاک پیامبران الهی را از همه گونه نقص و پلیدی پاک و متزه دانست تا عصمت انبیای الهی خدشه دار نشود، دز اجرای احکام الهی ثابت قدم بمانیم، شک و تردید را از دل ها برانیم و به فضل پروردگار، به فوز عظیم نائل شویم.

۲. تسبیح به چه معنی است؟

سبیح، یعنی شنا کردن، اعم از این که در آب باشد یا در هوا. حتی سرعت یا تلاش را هم سبیح گفته اند: «والسَّابِحَاتُ سَبِيحًا» [نازعات/۳]: «به شناگران که به طرز مخصوصی شنا می کنند، قسم می خورم.» همچنین، ابرها، خورشید، ماه و تمام اجرام



است .

باید توجه داشت که مراد از تسبیح اسم ، همان تسبیح ذات است . اما برای این که در کنار اسماء الحادی صورت نگیرد ، اشاره به اسماء الحسنی هم شده است : «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» و «سَبِّحْ رَبِّي الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» . الحاد در نام خداوند آن است که نام خدا را به چیزهای دیگر نسبت دهیم . مثلاً بگوییم : خالق شرور اهریمن است . و یا علم و قدرت را صرفاً به بشر نسبت دهیم .

حمله ی دیگر بمیرم از بشر
تا برآرم از ملائک بال و پر
وز ملک هم بایدم جستن زجو
کل شیء هالک الا وجهه
پس عدم کردم عدم چون ارغنون
گویدم انا الیه راجعون

[مثنوی مولوی]

جماد ← نبات ← حیوان ← انسان ← ملائکة الله ← لقاء الله
قرآن مجید می فرماید ، عامه ی موجودات عالم ، خدا را تسبیح می کنند و حمد می گویند و در آن ها شعور و درک وجود دارد : «و ان من شیء الا یسبح بحمده...» [اسراء/ ۴۴ و درس ۱۵ دین و زندگی ۱].

بنابراین تسبیح در اسم یعنی همان طور که خدا را منزه می دانیم ، اسمای خدا را منزه بدانیم و آن ها را به کسی دیگر نسبت ندهیم و مانند اوصاف دیگران ندانیم و خلقت و هلاکت را به ماده نسبت ندهیم . (عدم شرکت در اسماء و صفات) [اعراف/ ۱۸۰ و جاثیه/ ۲۴].

نحوه ی تسبیح موجودات

در آیه ی اول سوره ی جمعه که می فرماید : «یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض...» کلمه ی الله بیانگر جهت حرکت موجودات است که همگی به سوی الله ، یعنی کمال مطلق شناورند . و با تسبیح ، نقص ها را رها می سازند و به سوی کمال پیش می روند . ملاصدرا می گوید : «همان طور که انسان جمیع مراحل تکامل را که در قلمرو حرکت جوهری او قرار دارد ، از قبیل تکامل جمادی و نباتی و حیوانی ، طی کرده و به مرحله ی انسانیت رسیده است ، همین طور باید متوجه جهان دیگر شود ، از مرحله ی فعالیت ارتقا یابد و به خدایی که غایت و منتها الیه حرکات آرزوهاست ، برسد» [اسفار ، ج ۹].

از آیه ی مذکور سه مطلب مهم برداشت می شود :

الف) همه ی آسمان ها و زمین و آنچه در آن است (اعم از عاقل و غیرعاقل به تعبیر ما) ، خداوند را تسبیح می کنند : «... و من فیهن» کلمه ی «من» ، هم به عاقل مثل انسان و جن و ملائکه ، و هم به غیر عاقل اشاره دارد : «من یمشی...» [نور/ ۴۵].

ب) «تسبیح» و همچنین «حمد» به همه ی موجودات (الا یسبح بحمده... [اسراء/ ۴۴]) تعیم داده شده است و تسبیح در مقابل پاکی حق و حمد در مقابل نعمت اوست . برای مثال ، وقتی قرآن می فرماید : «یسبح الرعد بحمده...» [رعد/ ۱۳] هم به تسبیح و هم به حمد رعد اشاره دارد . یعنی با پیوند و برخورد دوا بر مثبت و منفی ، خیر و برکت فراوان تولید می شود . تنها با خنده ی برق آن ها ، پانزده هزار درجه ی سانتی گراد حرارت به وجود می آید و هوای اطراف می سوزد ، و با کنار رفتن فشار هوا ، رگبار پدید می آید و زمین ها آبیاری می شوند ، و با تولید آب اکسیژنه ، میکروب ها از

از جمادی مردم و نامی شدم
وز نما مردم به حیوان سر زدم
مردم از حیوانی و آدم شدم
پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم



دفتر انتشارات کمک آموزشی

**آشنایی با
مجله های رشد**

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، با این عناوین تهیه و منتشر می شوند:

مجله های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- **رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
- **رشد نوآموز** (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
- **رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی)
- **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)
- **رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)

مجله های عمومی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

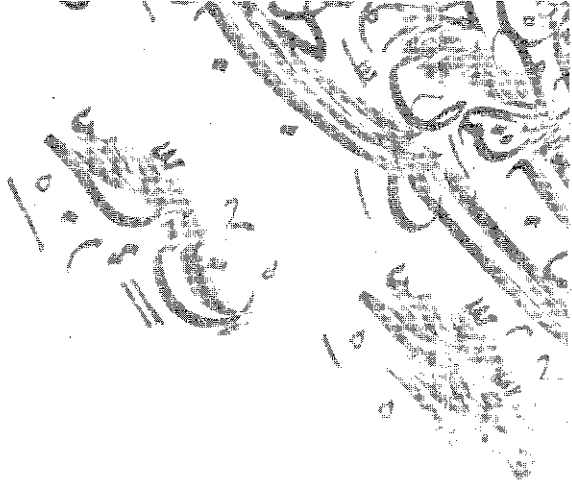
- **رشد معلم، رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا، رشد مدیریت مدرسه**

مجله های تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

- **رشد برهان راهنمایی (مجله ی ریاضی)، برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی، رشد درهان متوسطه (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش جغرافیا، رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش زبان، رشد آموزش ریاست، راهنمایی، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش هنر، رشد آموزش قرآن، رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه ای و رشد مشاور مدرسه**

و کادر اجرایی مدارس دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

● نشانی: تهران، خیابان ایرانشهرشمالی، ساختمان شماره ۲ آموزش و پرورش، بلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
تلفن و فکس: ۸۸۲۰۱۲۷۸



بین می روند و با ایجاد اسید کربن به گیاهان کود و غذا می رسد (نعمت: حمد)

ج) ما از تسبیح دیگر موجودات (ولکن لا تفقهون تسبیحهم...) [اسراء/ ۴۴ و درس ۱۵ دین و زندگی ۱]، درکی نداریم، اما بی شک موجودات نوعی شعور و علم دارند و از روی شعور تسبیح می گویند: «... كلُّ قَد عَلِمَ صَلَاتَهُ...» [تور/ ۴۱]. البته لازم نیست علم تمام موجودات مانند علم انسان باشد، بلکه علم و شعور و فهم هر موجود نسبت به خودش است.

برای اطلاع بیشتر تر به سوره های حدید (آیه ی ۱)، رعد (آیه ی ۱۳) و حشر (آیه ی ۱) مراجعه کنید.

ابزار تسبیح

البته باید دانست که تسبیح ممکن است با لفظ یا زبان (تسبیح قولی و کلامی) باشد یا غیر از آن. مثلاً آمده است: «مورچه به مورچگان دیگر گفت. « حال آن که گفتن او، مانند گفتن ما نبوده است. در واقع این مطلب نیت ضمیر او را روشن می کند [نمل/ ۸۱]؛ هر چند به آن گفت و گو، قول اطلاق شده است.

می گویند موجودات دو گونه تسبیح دارند:

۱. تسبیح خاص که با لفظ و زبان است.

۲. تسبیح عام مانند تسبیح ذرات بدن و تسبیح تمام موجودات

دیگر [انبیا/ ۷۹].

گونه ی اول ویژه ی انسان است و گونه ی دوم علاوه بر انسان، غیر از او را نیز شامل می شود. لازم به ذکر است که کفار تسبیح خدا را می گویند، اما از گونه ی اول بی بهره اند؛ یعنی با لفظ و زبان، خدا را تسبیح نمی گویند. درباره ی مؤمنین گفته اند، اهل ایمان دارای دو نور هستند و کفار فقط یک تسبیح دارند. چون اهل ایمان، هم با اعضا و جوارحشان خدا را تسبیح می گویند و هم با زبان و با ذکر سبحان الله خدا را به پاکی یاد می کنند.



